

کارگری خپه 1

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان



سر دبیر: افسانه خاشع: Kargari@gmail.com

اکتبر 2005 - میزان 1385



دلایل عدم شرکت و بی میلی مردم در انتخابات پارلمانی چه بود؟

بصیر زیار

سر انجام

سپتامبر انتخابات پارلمانی بعد از مدتها تاخیر در یک فضای مملو از رعب و امید برگزار شد. انتخابات

دموکراتیک دلخواه خود در این کشور است. روند انتخابات نشان داد که مردم در سراسر کشور به این انتخابات علاقه ای چندانی نشان ندادند. انتخابات آزاد و سالم به محیط صفحه 2

پارلمانی سراسری بعد از قریب 35 سال در کشور جنگزده افغانستان نمیتواند حادثه مهمی نباشد، انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی کنونی آخرین پلان مهم غرب در برقراری رژیم

در باره کارگری خپه

افسانه خاشع

کارگری خپه نشریه سیاسی- خبری سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان است. این نشریه به ارزیابی و تحلیل اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری در افغانستان می پردازد. هدف از انتشار کارگری خپه، بررسی مسایل از زاویه منافع و اهداف جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. این نشریه در جهت بسط و گسترش باورهای آزادیخواهانه سوسیالیستی تلاش می نماید و از این طریق می خواهد سهم در تقویت جهت گیری سوسیالیستی مبارزات اجتماعی و تکامل آن ایفا نماید. شماره های کارگری خپه در برگزیده مقالات، مصاحبه ها و اخبار می باشد. کارگری خپه رویداد های اجتماعی و تحولات سیاسی جاری را از منظر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر به ارزیابی و تحلیل می گیرد. در عین حال که پرداختن به مسایل مهم جهانی، ص 4

نگاهی به وضعیت و تظاهرات پناجویان افغانستانی در ناروی

آتیلما مهربان



در نتیجه تلاش احزاب بورژوازی کشورهای اروپایی، که با پذیرش پناجویان مخالفت می ورزند؛ در اکثر کشور های اروپایی، از جمله ناروی به اجرای مقرراتی برای محدودیت بیشتر ... ص 3

شکست تلخ اسلامیسلم... ص 5

مارکس یو واری بیا... ص 4

برخیز ای داغ لعنت

خورده!... صفحه آخر

کشورهای اروپایی برگزار گردید.

کنفرانس بعد از تصویب دستور کار و تعیین هیئت رئیسه، به کارش آغاز کرد. صفحه 4

بتاریخ 10 و 11 سپتامبر سال روان کنفرانس کادرها و فعالین واحدهای کشوری سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان واحد اروپا در یکی از

گزارشی از کنفرانس کادرها و فعالین سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان - واحد اروپا

ح . بریالی

دلایل عدم شرکت...

و شرایط آزاد و مناسب نیازمند است.

انتخابات جاری فاقد حداقل پیش‌شرط‌های لازم یک انتخابات سالم بود. اگر حملات و تهدیدهای هرروزه ای طالبان و القاعده در مناطق شرق و جنوب افغانستان را نادیده بگیریم، که در طی سال جاری صد ها قربانی بجا نهاد، وجود جنگسالاران محلی در بخش اعظم کشور، عادلانه بودن این انتخابات را به شدت زیر سوال میبرد.

دیده بان حقوق بشر در نیویارک در گزارش اخیر خود از این واقعیت پرده برمیدارد، در گزارش آمده است که سران شبه نظامیان محلی رای دهنده گان و نامزد ها را با تهدید مرعوب میسازند. تعداد کثیر از جنگسالاران و جنایتکاران جنگی در این انتخابات نامزد های اصلی اند و هرگونه شکایت در مورد سابقه جنایتکارانه آنها از طرف کمیسیون مشترک انتخابات نادیده گرفته شده است. بطور مثال از 210 جنگسالاریکه در این انتخابات نامزد شده بودند. تنها 32 تن از آنها که از قدرت و نفوذ محدودی برخوردار بودند، نامزدیشان لغو گردید.

سران جهادی و طالبی،



دسته بندیها بر مبنای ملیت، سمت، مذهب و قومیت فرصت و امکان بیشتری خواهند یافت. کمرنگی و غیبت احزاب سیاسی فراملی و منطقوی به گرایشات قومی و محلی میدان میدهد. از زاویه دیگر پارلمان آینده آخرین اقدام مهم غرب و آمریکا در تحکیم و مشروعیت بخشیدن به دولت دست ساز شان در کشور است.

این پارلمان هیچگاه قادر به دفاع از منافع و خواست مردم در تقابل با سلطه گری آمریکا و غرب نخواهد شد و در مقابل به عملکرد های غرب و دولت دست نشانده صحنه گذاشته و در خدمت استراتژی نظامیگری آمریکا قرار میگیرد. مطابق قانون اساسی جدید نیز پارلمان نقش چندانانی ندارد. قانون اساسی به رئیس جمهور قدرت بیشتری داده است و رئیس جمهور میتواند در شرایط که این مجمع برای دولت مزاحمتی خلق کند با فرمانی از نمایندگان "محترم" مردم رفع تکلیف نماید و ایشان را محترمانه به خانه های شان بفرستد.

شرایط غیرعادلانه انتخابات و هم نقش فرعی مردم در تعیین سرنوشت شان و همچنین ماهیت ارتجاعی دولت کنونی، بحق مردم را از شرکت فعال در این انتخابات باز داشت.

... ص 4

باشند، مواجه نبودند. اظهار نظر یکی از زحمتکشان شهر کابل بنام نادر مصداق ادعای فوق بوده و میتوان آنرا انعکاس از افکار شهروندان عادی شمرد. نادر محمدی به یکی از خبرگزاریهای خارجی گفته بود: "حاکمان دیروزی به این کشور فاجعه آوردند، آنان همه چیز را خراب کردند. من به کسی رای میدهم که متعلق به حزب و دسته ای نبوده و فاقد گذشته باشد". روند انتخابات و سلطه نیروهای ارتجاعی بر اهرام قدرت سیاسی در کشور، در مورد ماهیت پارلمان آینده جای کوچکترین تردیدی را باقی نمیگذارد. نیروهای محافظه کار و راست درین پارلمان دست برتر خواهند داشت و بجای حرکت در جهت پیشرفت و آزادی جامعه، جلو این روند خواهند ایستاد. در پارلمان آینده از آنجائیکه احزاب سیاسی حضور رسمی و فعال ندارند، در نتیجه

فاسد و وابسته است. یکی از دلایل اصلی بی میلی مردم و عدم شرکت شان در این انتخابات، علیرغم اینکه انتخابات عمومی بعد از سه دهه در کشور برگزار میگردد، تجربه عینی و تلخ شرکت شان از انتخابات ریاست جمهوری و دست نیافتن مردم به آنچه که کاندیداتورها از جمله آقای کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان به رأی دهندگان در آن دوران تعهد سپرده بود، است و دیگر اینکه در این انتخابات همانند انتخابات قبلی کاندیداتورهای اصلی که بشکل گسترده ی شرکت نموده اند همانا مجرمین و جنگسالاران دیروزیست.

در بسیاری از حوزه های انتخاباتی رأی دهندگان با کاندیداتور های که عاری از سوء ظن در مورد کارنامه های گذشته ی شان

چون رسول سیاف و مولوی متوکل و امثالهم با تمام جنایتهای سهمناک خود جهت رسیدن به کرسی های پارلمانی در این انتخابات شرکت کرده اند. انتخابات که در یک چنین شرایط برگزار میشود، نتایج آن از پیش معلوم است که چه کسانی موفقانه سر از صندوق های رای بیرون میاورند و کرسی های پارلمانی را از آن خود میسازند. گرچه فاکتور های اصلی کسب آراء، نظیر قدرت مالی، مدیانی و سازمانی در هر جا و حتی در دموکراتیک ترین کشور های سرمایه داری امر شناخته شده ی است و انتخابات در همه کشورهای سرمایه داری، در واقع مشروعیت مردمی دادن به سلطه طبقات و نظام حاکم است. اما انتخابات کنونی افغانستان با میدان دادن به مجرمین و جنایتکاران جنگی و باندهای مافیایی در صدد مشروعیت دادن به رژیم

نگاهی به

وضعیت ...

حقوق پناهجویان پرداخته اند. تشدید شرایط سیاست ضد پناهندگی در حالی است که بخصوص همین احزاب دست راستی، خود حد اکثر سهم را در افزایش بیعدالتی ها و ایجاد زمینه های بد اقتصادی و سیاسی در تحمیل آوارگی و مهاجرت داشته اند.

از جمله محدودیت هایی که دولت مذهبی/دست راستی "حزب مسیحی مردم" بر پناهجویان در ناروی تحمیل کرده است، قاعده جدیدی است که بر اساس پیشنهاد رهبر حزب "راست" انا سولبرگ؛ به تصویب پارلمان رسید. بر اساس این قانون جدید، پناهجویانی که از تاریخ اول جنوری سال 2005 تقاضای پناهندگی کرده اند، حق داشتن وکیل مجانی را ندارند.

نکات عمده این قاعده جدید از بیقرار است:

یک ارگانیزسیون داوطلب، در صورت نیاز، پناهجو را در زمان ورودش به کمپ، راهنمایی نموده و معلومات در اختیار او میگذارد.

اداره امور پناهندگان، وظیفه ارایه معلومات مربوط به پروسه بررسی تقاضای پناهندگی را که قبلاً وکلا انجام میدادند، به عهده دفاتر محلی خود، که

افراد مسلکی نیستند، گذاشته است.

دسترسی به وکیل برای پناهجو مقدور است که به تقاضای آنها جواب رد داده شده باشد. در اینصورت پناهجو میتواند از پنج ساعت مشاوره حقوقی مجانی برخوردار گردد.

پناهجویان زیر 18 سال، مانند گذشته، از زمانی که تقاضای پناهندگی میدهند، میتوانند از حق داشتن وکیل مجانی برخوردار باشند. دسترسی به وکیل مجانی شامل حال کسانی نیز میگردد که تهدیدی برای امنیت کشور تلقی گردند.

مقامات مربوط به امور پناهندگی ادعا دارند که این قاعده جدید، کیفیت کمک به پناهجو را بهتر میسازد. زیرا پناهجویان بعد از دریافت جواب منفی وقت بیشتری برای کسب مشاوره مجانی حقوقی دارند و همچنان استفاده از وکلای محلی، زمینه تماس بلا واسطه پناهجو و وکیل را بیشتر میسازد.

در سه ماه اول سال 2005 جمعاً 1500 نفر در ناروی تقاضای پناهندگی داده اند که ازین جمله 140 نفر از کشور افغانستان اند. متقاضیان افغانستانی که در سال قبل درصدر لست قرار داشتند، در رده پنجم افت کرده اند. 16% متقاضیان پناهندگی بدون آن که

تقاضای شان مورد بررسی قرار گیرد، بر اساس توافقات دوبلین، به کشور های مبداء، مخصوصاً جرمنی، سویدن و یونان برگردانیده شده اند. 5% تقاضا ها یا پس گرفته شده و یا بایگانی شده اند.

57% متقاضیان پناهندگی در سه ماه اول امسال جواب منفی گرفته 20% از آنها به دلایل انسانی و 14% به دلایل مختلف دیگر اجازه اقامت گرفته و 9% پناهندگی سیاسی گرفته اند.

38% از آنها که تقاضای پناهندگی کرده بودند، مفقود الاثر اند که به احتمال قوی بدون اطلاع پولیس از کشور بیرون شده اند. 4% بر اساس برنامه آی.او.ام؛ داوطلبانه به کشور های خودشان برگشته اند.

در راستای این سیاست ها امکان آموزش زبان در کمپ ها در مدت زمانی که پناهندگان در انتظار جواب اند، از آنها گرفته شده است. کمک های مالی به پناهجویان تقریباً به نصف تقلیل یافته است.

مزید بر اینها، به تاریخ 10 اگست سال جاری دولت ناروی با نماینده حکومت کرزی، داکتر دادفر قرار دادی را مبنی بر اخراج پناهجویان افغانستانی از ناروی به امضا رسانیده است. با این معامله سیاسی که بهای آنرا پناهجویان باید

بپردازند، همکاران اروپایی جورج بوش تلاش دارند سیمای "دموکراتیک" از دولت پوشالی کرزی به نمایش بگذارند.

پناهجویان افغانستانی با واکنش سریع و شدید، به تاریخ 19 اگست خشم شدید شانرا از زیر پا گذاشته شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی شان یعنی حق پناهندگی در تظاهراتی که از طرف مرکز انتگراسیون پناهندگان افغانستانی در ناروی تدارک دیده شده بود، به نمایش گذاشتند.

این تظاهرات با شرکت بیش از 600 نفر پناهجویان متعرض افغانستانی از جلو ساختمان پارلمان با بیانیه های اعتراضی پناهجویان و نماینده یکی از نارویژی (آر.وی) و پشتبا نی (اس.وی)؛ آغاز گردید. پناهجوی خردسالی تجربه تلخش را از برخورد غیر انسانی پولیس در جریان تحقیقات از او که توسط فردی بنام (م.ولسمل) هدایت میشده است، بیان نمود. شعار های اصلی تظاهرات عبارت بودند از:

پناهجویان را به چنگ قاتلان شان نفریستید.

قرارداد اخراج پناهندگان یک معامله سیاسی است.

دولت افغانستان دولت جنایتکاران است. بعد از گذشت تقریباً دو

ساعت متن فرا خوان و قطعه نامه توسط دو تن از خانمهای شرکت کننده قرائت گردید و متعاقباً گروهی از کودکان با حمل شعار ما را به چنگ قاتلان ما نفریستید در حالیکه با کف زدن ممتد تظاهر کنندگان بدرقه میشدند، قطعه نامه را در داخل پارلمان به نمایندگان تسلیم کردند. بعداً جمعیت با همراهی عده ای از سواران پولیس، به سوی سفارت افغانستان به راهپیمایی آغاز کرده و با تجمع در برابر سفارت و ادامه سخنرانی های اعتراضی و شعار ها در محکومیت عقد قرار داد، تأکید در ادامه اعتراضات الی فسخ قرار داد، تظاهرات پایان یافت.

لازم به تذکر است که متن توافقات حاصله بین نمایندگان دولت ناروی و داکتر دادفر، که مع الوصف داشتن پست وزارت در کابل، افراد فامیل خودش در آلمان زندگی مینمایند، مخفی نگاهداشته شده و تلاش بعضی وکلای مدافع پناهجویان از آگاهی از متن آن بی نتیجه مانده است.

مرکز انتگراسیون پناهندگان افغانستان نهادیست برای دفاع از حق انکار نا پذیر پناهندگی!

مارکس یو واری بیا

ح. بریالی

څو هفتی مخکې بی بی سی رادیو له خپلو اورپندکو نه وغوښتل چې د نړۍ له ټولو نه ستره څیره، فیلسوف او پوه ور معرفی کړي. داهم برېښه شوی وه چې حتی د اکونومیست مجلې له خپلو لوستونکو نه غوښتلې وو چې (دیوید هیوم) ته رایه ورکړي، مگر د لیدونکو د حیرانتیا په ترڅ کې، مارکس په ډیر واین سره خپل رقیبان شاته وغورځول.

34 زره کسانو په دې نظرپوښتنې کې برخه اخیستې وه، چې 28 په سلوکې یې مارکس ته رایی ورکړی و، په داسې حال کې چې دیوید هیوم چې دوهم کس شو یواځې 12 په سلوکې رایی ځانته کړی.

د مارکس ټاکل ځانته ډیر دلایل لري، مگر یو ستر دلیل یې دابنودل کيږي چې د خپله مارکس له قوله: "فیلسوفانو هر یوه په هر راځ نړۍ ئی تفسیروله، حال داچې خبره په تغیر باندې ده".

څه شول د پانگوالی نظام هغه مسخره فیلسوفان او قلم وهونکي چې د شوروی اتحاد دولتي پانگه والی نظام د رانسکوریدو نه را په هیسته د نویمې لسیزې په لمړیو کې یې د کمونیزم مړ شو او د تاریخ د پای د ټکي چيغې یې وهلی؟ او په رښتیا سره وینو او گورو چې څوک په دغه ډگر کښی مری او زوال مومی!

نن سبا په اروپا کې ډیرو خپلی هیلې مارکس ته اړولی دی، د پانگوالی نظام د سترو حملو او تاراکونو په ترڅ کې چې د کمونیزم او مارکسیزم پر ضد کيږی سره سره، او همدارنگه په ننی مرحلې کې چې دغه د پانگوالی غاصب نظام، د تاریخ حقانیت، ځانته او د خپل اقتصادي نظام سره نښلوی او د نړۍ خلکو ته اعلاموی، چې پانگه واله سیستم د تاریخ د پای ټکي دی او هیڅ بله او کامیابه اقتصادي، ټولنیزه رابطه نشته.

غوڅ له دی سره مونږ گورو چې د ننه په همدی ټولنو کې، د اروپا په مرکز کې، مارکس ته او د هغه فلسفې، سیاست او افکارو ته یو وار بیا مخ اړول کيږی، نوی کین اړخی گوندونه جوړیږی. یو ځای د و. ای. لنین سره د هغه عکسونه او سیاستونه، کوڅو او لارو ته راوځی، او په انتخاباتی مندو تر روکې په زرگونو تېلېغاتی پوسترونه تر سترگو کيږی.

نو تر داسې یو ځلانده بهیر او اغیرو لاندی سړی ویلی شی چې نه په رښتیا هم کمونیزم ندی مړ او د هغه تاریخی او د علم پر بنسټ ولار انتقاد ټولنی د دغه ناخوالو پر ضد او د دغه نظام پر ضد لاهم هغسی پرځای دی او اوسنی سیاسی ټولنیز بهیر څی چې د هغه لاژوندی توب او زرغونتوب رابرسیره کړی.

درباره کارگری خپه

معرفی و انعکاس مبارزات طبقه کارگر در سطح جهان را نیز یکی از وظایف انترناسیونالیستی خود میدانند.

انتشار منظم، بهبود کیفیت و نشر مستمر این نشریه در گرو همکاری و کمک مادی و معنوی همه ی کسانی است که خود را در به ثمر رسیدن اهداف آن سهیم می دانند.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه بر عهده نویسنده گان آن است. تنها مقالاتی که به امضای کارگری خپه منتشر می گردد مبین نظریات رسمی آن می باشد. کارگری خپه در رد، پذیرش و نیز تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است و تصمیم اش را به اطلاع فرستنده مطلب کتباً ابلاغ می دارد.

فعالیت میان زنان، کنفرانس بروی ایجاد میکانیزم مؤثر برای تحقق این هدف، ساختارکاری را به تصویب رساند.

*- در مورد تحکیم بیشتر روابط بین المللی، مقرر شد تا با طیف گسترده تر احزاب، اتحادیه های کارگری، کانونهای چپ و جنبش ضد گلوبالیزا سیون در اروپا وسائر نقاط جهان روابط مفید تأمین شود.

*- کنفرانس فراخوان برای تدویرکنفرانس سراسری سازمان را تأیید نمود و تصمیم اتخاذ شد تا کمیته تدارک، زمان و مکان آن را در اسرع وقت به واحدهای تشکیلاتی و اعضاء ابلاغ نماید.

کنفرانس با روحیه عالی سوسیالیستی، در فضای رفیقانه به کارش پایان بخشید.

گزارشی از کنفرانس... نخست بحثی پیرامون وضعیت سیاسی و اجتماعی افغانستان، ارزیابی و تحلیل اوضاع جهانی توسط رفیق بصیر زیار ارائه شد. در این بحث به تفاوت مواضع و تحلیل های سازمان با سائر نیروهای سیاسی چپ تأکید صورت گرفت. همچنین بحثی در رابطه به روابط بین المللی سازمان، در ضمن بحث مفصلی هم در مورد انتخابات پارلمانی افغانستان صورت گرفت و کنفرانس با تأیید و تأکید بر مواضع و ارزیابی های اصولی تا کنونی سازمان وارد بحث پیرامون نکات دیگر دستور کارجلسه شد.

دومین روز کنفرانس با ارائه گزارش کمیته ها و واحد های سازمان آغاز گشت. بعد از استماع گزارشات، کنفرانس به چگونگی پویائی، بسط و گسترش سازمان پرداخت و در این رابطه قرارها و مصوباتی زیر را به تصویب رسانید.

*- تصویب نشریه عصرجدید بعنوان ارگان سیاسی-تئوریک سازمان.

*- انتشار نشریه جدید «کارگری خپه» بحیث ارگان سیاسی - خبری سازمان که در آغاز بشکل ماهنامه بیرون داده می شود.

*- جهت رشد سریع

به سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان پیوندید!

دلایل عدم شرکت و بی میلی مردم در ...

میخواهند. این حرکت در حال شکل گیری است. فقط با به میدان آمدن جنبش نوین کارگری است که مردم و اقشار پیشرو امکان خواهند یافت تا نقش و جایگاه واقعی خود را در جامعه و انتخابات تثبیت کنند.

اما حرکت رو به جلو در جهت آزادی، برابری و رفاه در جامعه و بیرون از پارلمان جریان دارد. کارگران، اقشار زحمتکش و نسل آزادیخواه و برابری طلب افغانستان جنبش و حرکت خود را

شکست تلخ اسلامیسیم در شکل دادن به دادگاه های حکمیت اسلامی در کانادا ■ فهیم آزاد

قانون برای همه وجود خواهد داشت."

بالاخره مبارزه انسانهای آزادیخواه، مدافعین آزادی و برابری به ثمر رسید. اسلام سیاسی و ارتجاع مذهبی در کل در قبال صف آزادیخواهی شکست تلخی را تجربه کرد. عقب راندن ارتجاع مذهبی و شکست اسلام سیاسی و مهمتر از همه افشای سیاست های ارتجاعی دولت کانادا محصول تلاشهای سوسیالیستها، آزادیخواهان و مدافعین ارزش های متعالی بشر است.

با باز شدن پای مذهب به زندگی مردم، عروج و به قدرت رسیدن اسلام سیاسی و تلاش کشور های سرمایه داری با توصل به تئوریهای پست مدرنیستی و نسبییت فرهنگی جهت توجیه و تثبیت استراتژی های شان، بر جنبش های برابری طلب و آزادیخواه در سراسر جهان و جنبش طبقه کارگر و در رأس آن سوسیالیسم کارگری است که مسئولیت خطیر مبارزه سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی را در تمام عرصه ها بدوش گیرد.

زندگی مردم و همچنین تئوری ارتجاعی نسبییت فرهنگی و محملات چون جامعه چند فرهنگی که تحت اسم رمز آزادی عقاید و افکار هر روز در بوق و کرنا می شود را نیز به چالش گرفته و نتایج زیانبار آن را که همانا تحکیم اپارتاید جنسی، بی حرمتی و بیحقوقی زن، کودک آزاری و تقسیم انسان ها بر مبنای مذهب و نژاد است را بروشنی مورد نقد و ارزیابی قرار دادند. جنبش اعتراضی طی فعالیت بی وقفه و خستگی ناپذیرش در این دو سال خواهان لغو دادگاه های مذهبی، از جمله دادگاه های شرع اسلامی شد.

سرانجام این مبارزات و کمپاین های اعتراضی بر ضد دخالت دین در دولت و زندگی خصوصی مردم و اعتراض به کرنش و عقب گرد دولت کانادا در قبال قوانین قرون وسطائی و زن ستیز نتیجه داد. 11 سپتامبر سال جاری دالتون مگینتی وزیر ایالت اونتاریو رسماً اعلام داشت که: ".... در اونتاریو قوانین اسلامی جایی ندارد. در انتاریو داورى مذهبی جایی ندارد و تنها یک

را نیز بعنوان یک نهاد حکمیت اسلامی و داورى قضایی به رسمیت بشناسد و آنها هم مجاز باشند که قانوناً در مورد ازدواج، طلاق، ارث و حضانت کودکان شان، بر مبنای شریعت اسلام تصمیم گیری کرده و حکمیت نمایند، مردم آزادیخواه و سکولار کانادا در قبال آن واکنش نشان داده و با جدیت تمام در مقابل آن ایستادند.

انعکاس این خبر تکانه ی بود که اذهان را متوجه اتفاقاتی که از مدت ها پیش و بر متن سیاست های ارتجاعی دولت های غربی از جمله کانادا افتاده بود، نمود. جریانات سوسیالیست و رادیکال با توجه به توحش لجام گسیخته ارتجاع مذهبی، مخصوصاً اسلام سیاسی، متوجه بودند که نباید بیش از این سکوت کرده و اجازه داده شود تا دست سیاه مذهب به زندگی خصوصی مردم، حتی در دل جوامع سکولار چون کانادا، راه باز نماید.

با شکل گیری و گسترش حرکت های اعتراضی بر علیه دخالت مذهب در امور قضایی، جریانات سوسیالیست و آزادیخواه دخالت مذهب در جامعه و

کانادا گردید. با تصویب قانون داورى در سال 1991 در اونتاریو، دولت کانادا با تکیه بر تئوری ارتجاعی نسبییت فرهنگی زمینه ی دخالت جریانات ارتجاعی مذهبی در زندگی خانوادگی مردم را فراهم آورده بود. بر مبنای این قانون مردم حق داشتند که منازعات خانوادگی شانرا آنطور که خود مایل بودند و اعتقادات مذهبی شان حکم می کرد در یک سیستم اداری خصوصی حل و فصل نمایند. با تکیه بر اصل این قانون جریانات ارتجاعی مذهبی هم از یهودی، مسیحی و مسلمان فرصت یافتند تا اپارتاید جنسی، بیحقوقی زن و کودک آزاری را موجه سازند و با تکیه بر این قانون، با دست باز افکار عصر حجرى شان را در عمل اجرا نمایند.

بر بنیاد و زیر سایه همین قانون در این چند سال یهودی ها و مسیحیان بدور از چشم باز جامعه به اجرای حکمیت در امور مردم پرداختند. اما هنگامی که "موسسه اسلامی برای عدالت مدنی" دولت کانادا را تحت فشار قرار داد که باید آنها

بعد از حدود بیست سال تلاش و تقلا بالاخره به تاریخ 21 اکتبر سال 2003 جریانات اسلامیسیم در امریکا شمالی کنفرانسی تحت عنوان " تغییر دادن شرایط مان" را در انتاریو برگزار کردند. طی این نشست کمیته 30 عضوی مؤلف شد تا تریبونال قضایی اسلامی بنام " مؤسسه اسلامی برای عدالت" را جهت رسیدگی و حل و فصل اختلافات خانوادگی، مسایل مالی و بقیه امور مدنی مسلمانان ایجاد کنند.

" مؤسسه اسلامی برای عدالت" که بعداً به " مؤسسه اسلامی برای عدالت مدنی" تغییر نام یافت از دولت کانادا خواستار برسمیت شناختن این نهاد اسلامی بعنوان یک بنیاد حکمیت و داورى بر مبنای قوانین شرع اسلامی شد. این اقدام اسلامیسیم ها باعث اعتراضات گسترده ی جریانات آزادیخواه، سوسیالیست و سکولار گردید که سرانجام منجر به عقب نشینی و شکست جنبش اسلامیسیم و همچنین افشای سیاست ماشاات جویانه دولت

برخیز ای داغ لعنت خورده!

... مرز ها را، دیوار ها را، فاصله ها را زیر پا می کند و در گستره زمین، از هرکارگاه، از هرکوچه و خیابان و قریه و دهکده اردوی کارگران را از هر رنگ، نژاد و جنس خبر می کند، به مبارزه دعوت می کند و سازماندهی می نماید. افق های جدید رهایی را در متن یاس و نا امید می کشاید و به کارگران می آموزاند که هیچ چیز ناممکن نیست. خدایان را می توان به زمین کشید، تخت شاهان را می توان واژگون کرد، قهرمانان پوسیده ی دروغین را می توان رسوا کرد، می توان جهانی نوینی ساخت بدون جنگ، بدون فقر، بدون تبعیض و استثمار، می توان جهانی ساخت پر از صلح، پر از رفاه، پر از برابری و عشق. همه ی اینها با "پیکار های بی امان" به دست می آید.

"برخیز ای داغ لعنت خورده!" که "جهانبانی" تنها حق توست.

بیش از یک قرن است که طنین انترناسیونال همگام ضرب گامهای پرهیبت، بی قرار و مداوم مبارزه کارگران برای استقرار عدالت و دنیای بهتر به گوش می رسد، در هر زبان و در هر مکان. "انترناسیونال است"

بیش از یک قرن است که طنین صدای سرود انترناسیونال، سهمگین ترین طنین در گوش نظام سود و سرمایه است. صدای که اسم رمز آغاز حرکت "اردوی بی شمار کار" برای محو استثمار است. استثمار گران حق دارد از این صدا بترسد. چرخش این آهنگ در هر کوچه و قریه ای- بی استثنا- طوفان در پی دارد. انترناسیونال؛ سرود محکوم، سرود محکومین. تا حاکم و محکوم است، انترناسیونال همچنان صدای امید برای محکومین و آهنگ مرگ برای حاکمان است.



انترناسیونال

اوژن پوتیه

برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
آنگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما!
انترناسیونال است، نژاد انسانها

بر ما نبخشد فتح و شادی
نه شه، نه بت، نه آسمان
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی امان
تا ظلم از عالم برویم
نعمت خود آریم به کف
دمیم آتشش را بکوبیم
تا وقتی آهن گرم است

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما!
انترناسیونال است، نژاد انسانها

تنها ما توده ی جهانی، اردوی بی شمار کار
داریم حقوق جهانبانی نه که خونخواران غدار
غرد وقتی رعد مرگ آور
بر درخیمان و رهزنان
در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نورافشان

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما!
انترناسیونال است، نژاد انسانها



■ گوارا باران

برخیز ای داغ لعنت خورده!

4 اکتبر 1816 کودکی در یک خانواده کارگری فقیر فرانسوی پا به این جهان نابرابر گذاشت. شاید مثل تمام کارگران و کارگر زاده گان پیش از او و بعد از او، از تولدش کسی خبر نشد و به پدر و مادرش تیریک نگفت. تنها کسانی که آمدنش را خوش آمد گفته باشد، آنهم با تبسمی شاید کم عمق، پدر و مادرش بودند. این کودک "اوژن پوتیه" (Eugene Pottier) بود. در 14 سالگی اولین ترانه اش را به نام "زنده باد آزادی" نوشت، در 1848 در سنر کارگران علیه بورژوازی جنگید و در 18 مارچ 1871 که کارگران پاریس نخستین رژیم پرولتری در تاریخ را پایه گذاشتند، او یکی از اعضای برجسته کمون بود. جنبشی که گرچه کوتاه بود اما روشن ترین نمونه ای دنیای متفاوتی بود که بشر در طول تاریخ، آگاهانه و نا آگاهانه برای تحقق آن جنگیده است. جنگی که هنوز ادامه دارد و این رد پای سرخ، نخ پیوند حافظه تاریخ شرمگین است. پرولتاریای پاریس نخستین بار این آرزوی دیرین را به آگاهانه ترین شکل عملی ساختند. نظام طبقاتی را به زیر کشیدند و یک جامعه بی طبقه را بنا نهادند. جنبشی که به گفته مارکس: "طلوع انقلاب عظیم اجتماعی بود که بشر را برای همیشه از رژیم طبقاتی رها میسازد" اما این نوزاد پیش از بلوغ سر بریده شد. در 28 می همان سال دیگر خیابان های پاریس پر بود از جسد هزاران کمونار قتل عام شده. موجی از خون های لخته ی لغزان از گاری های پر از اجساد کمونار های درحال انتقال به گورستان "پرلاشز"، مسیر حرکت را نشانه گذاری می کرد. بوی باروت و خون شهر را در خود می فشرد و جلا دادن بورژوازی دنبال کمونارهای زنده می گشتند. کشتار کمونارها در پاریس نماد خشونت ذاتی سرمایه است. اوژن پوتیه، اما از چند تنی بود که زنده ماندند. او در فردای شکست کمون (اوایل جون) "سرود انترناسیونال" را سرود. بعد از شکست کمون به انگلستان رفت و از آنجا، به آمریکا. در آمریکا شعری "از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه" را سرود. 9 سال بعد دوباره به پاریس برگشت و فعالیت هایش با عضویت به "حزب کارگران" ادامه داد. در سال 1887 دومین دفتر شعرش را به نام "ترانه های انقلابی" به چاپ رساند. و سرانجام در 8 نوامبر 1887 جسدش با مشایعت کارگران به گورستان "پرلاشز"، میعادگاه کمونارهای اعدامی، سپرده شد. و ما اینک 189 همین سال تولد و 129 همین سال در گذشتش را گرامی می داریم.

اوژن پوتیه "روزقطعی جدال" را درست زمانی اعلام کرد که بورژوازی از سقوط "کمون پاریس" در پوست نمی گنجید و تصور می کرد که برای همیشه به جنبش کارگران درس عبرت داده است. دقیقاً در چنین زمان و برزمینه خون. هنوز نا خشکیده ی ده ها هزار کارگر از خیابانهای پاریس بود که او با نوشتن "انترناسیونال" تصمیم و اراده طبقه کارگر جهانی را برای ادامه این مبارزه تا ایجاد یک دنیای بهتر و کمونیستی، اعلام کرد. انتر ناسیونال با قاطعیت و صراحت می گت که شکست کمون پاریس آغاز مبارزه است نه پایانش، برخلاف پندار موهوم آنزمان بورژوازیی ظاهراً فاتح.

شش ما بعد از مرگ اوژن پوتیه بود که یک کارگر و آهنگساز فرانسوی، خسته از کار روزانه اش، شبی نوشتن آهنگ را برای "انترناسیونال" شروع کرد و صبح با طلوع خورشید آهنگ تکمیل شده بود.

اکنون، بیشتر از یک قرن است که انترناسیونال، این سرود خشم، سرود جنگ، سرود وحدت، سرود پیکار، سرود رهایی، سرود امید و سرود صلح....